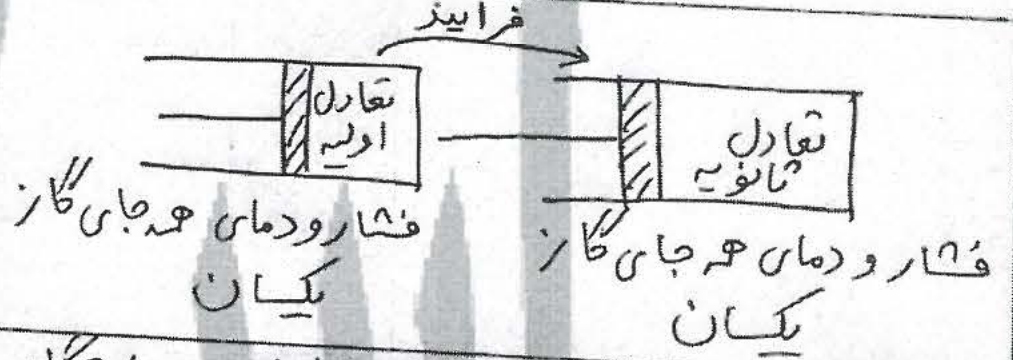


عقید اسکندری	پنجم	حجم	۲
(دما - فشار - حجم - گرما و ...)	ماکرو سکوپ		
دستگاه: حرتمودینامیک تحولات جسم خاصی که معمولاً گاز یا مایع است و با محیط خود گرما و کار مبادله می کند	دستگاه یا سیستم		
محیط: اجسام پیرامون دستگاه که با آن مبادله انرژی دارند.			
در موتور خودرو: مخلوط هوا و بنزین در دستگاه گاز درون لوله ها که باعث فند شدن می شود			
در یخچال: آب درون آن دستگاه است و خود کتری و سیم گرمکن درون آن هوا، محیط هستند.			
ترمودینامیک فقط در محدوده گازهاست ولی در این کتاب فقط در آن قسمت بررسی می شود			
دستگاه می تواند مقدار آب، کل جو زمین، بدن یک موجود زنده باشد. به مآله ای که در آن قرار می گیریم مرتبط است. دستگاه بخشی از ماده است که تحولات و مبادله انرژی بین آن قسمت و محیط پیرامون آن بررسی می شود			

عقید اسکندری	پنجم	حجم	۱
ترمودینامیک: موتور ماشین های بهترین تا حدود ۳۰ درصد از انرژی شیمیائی حاصل از سوختن بهترین را به کار مفید تبدیل می کند. برای بازده ماشین ها حد بالائی وجود دارد که مانع از تبدیل کامل انرژی شیمیائی به کار مفید			
ترمودینامیک به مطالعه رابطه بین گرما و کار و تبدیل گرما به کار مکانیکی می پردازد.			
در سیلندر موتور خودروها از واکنش شیمیائی اکسیژن با بنزین و به حرکت درآوردن پیستون، کار مکانیکی تولید می شود.			
طراح و مهندس تولید خودروها می خواستند متوجه شوند که قوانین فیزیک چه محدودیتی برای تبدیل انرژی گرمائی به انرژی مکانیکی ایجاد می کند. هرگز خود خود گرما از جسم سرد به گرم			
در ترمودینامیک فرآیندها توسط کمیت های مشاهده یا ماکروسکوپی توصیف می شود بدون آنکه درگیر رفتار تک تک مولکول های گاز شود (حتماً دما باید بررسی شود)			
ترمودینامیک ماکروسکوپی بررسی می کند نه میکروسکوپی			

فرايند ترموديناميکي : هرگاه دستگاه از یک حالت تعادل به حالت تعادل ديگر می رود ، فرايند رخ می دهد



فرايند ايستاوار : هرگاه در طی فرايند ، دستگاه همواره نزديک وضع تعادل باشد و سريع به تعادل برسد (مثلاً حرکت پيستون ضميمه کند باشد و يا گرما دري به دستگاه ضميمه کم و آرام باشد) فرايند ايستاوار است

برای رسم نمودارهای ایستاوار ، چند نقطه تعادل تعیین می کنیم و با وصل کردن آنها نمودار را کامل می کنیم

تبادل انرژی بین محیط و دستگاه از دو طریق گرما و کار صورت می گیرد . معمولاً فرض می شود در هنگام تبادل گرما ، دستگاه باید منبع گرما در تماس است این منبع گرما می تواند دمای قابل تنظیم و یا دمای ثابت داشته باشد .

تعادل ترموديناميکي : هرگاه همه نقاط یک گاز فشار و دمای یکسانی داشته باشند

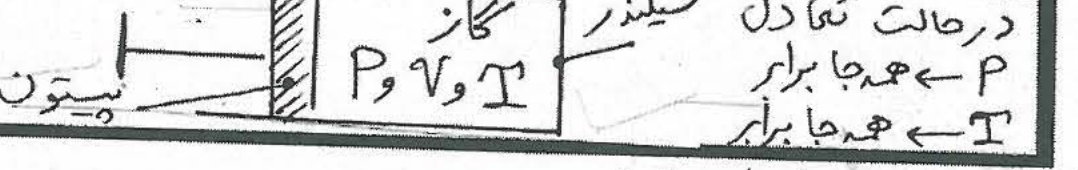
متغيرهاي ترموديناميکي : حجم و فشار و دما که هر سه کميته ماکروسکوپي هستند و برای توصيف حالت تعادل گاز استفاده می شوند

در هر حالت تعادل که فشار و دما در همه نقاط یکسان است ، متغيرهاي ترموديناميکي فشار و دما و حجم هر یک دارای عددی معين هستند .

در حالت تعادل ، هیچ یک از متغيرهاي ترموديناميکي خود به خود تغيير نخواهند کرد .

معادله حالت : متغيرهاي ترموديناميکي مستقل از هم نيستند . رابطه بين آنها را معادله حالت می نامیم

در یک گاز کامل ( آرمانی ) معادله حالت ساده و مستقل از نوع گاز است ( همان قانون گاز آرمانی )  $PV = nRT$



$P, V, T$  ← اعداد معين

عقید اسکندری	پنجم	هم	۵
<p>محیط و دستگاه ، هنگامی مبادله گرما دارند که با هم اختلاف دما دارند : <math>Q_{\text{گاز}} \rightarrow</math> <math>Q_{\text{گرم}}</math> <math>Q_{\text{گاز}} \rightarrow</math> <math>Q_{\text{گرم}}</math></p>			
<p>منبع گرما : جسی است که جرم آن در مقایسه با جرم دستگاه مورد نظر چنان بزرگ است که هر قدر به دستگاه گرما بدهد و یا از آن گرما بگیرد دمایش تغییر چندانی نمی کند : <math>\underbrace{\text{جای داغ در یک اتاق}}_{\text{دستگاه}} \underbrace{\text{محیط (منبع گرما)}}_{\text{جای سردی شود}} \underbrace{\text{قطعه یخ در یک اتاق}}_{\text{دستگاه}} \underbrace{\text{محیط (منبع گرما)}}_{\text{یخ گرم می شود (ذوب)}}</math></p>			
<p>در عمل (آزمایشگاه) : منبع گرما جسی است که تنظیم دمای آن با آزمونگر است .</p>			
<p>یادآوری : انرژی درونی یعنی مجموع انرژی های پتانسیل و جنبشی همه ذرات ماده (نماد U)</p>			
<p>انرژی درونی به متغیرهای ترمودینامیکی V و P و T بستگی دارد ولی در گاز آرمانی فقط تابع دمای گاز است .</p>			

عقید اسکندری	پنجم	هم	۶
<p>قانون اول ترمودینامیک : (قانون پایستگی انرژی)  <math>\Delta U = Q + W</math>          جمع جبری کار و گرمای مبادله شده بین دستگاه و محیط = تغییر انرژی درونی گاز کامل</p>			
<p>کار بگیریم <math>W_{-}</math> کار بدهیم <math>W_{+}</math> گرما بگیریم <math>Q_{-}</math> گرما بدهیم <math>Q_{+}</math></p>			
<p><math>\Delta U_{+}</math> گاز گرم شود</p>			
<p><math>\Delta U_{-}</math> گاز سرد شود</p>			
<p><math>\Delta U = 0</math> دمای ثابت دارد</p>			
<p>در یک گاز آرمانی (کامل) تغییر انرژی درونی فقط با تغییر دمای مطلق گاز متناسب است</p>			

(در بعضی از کتاب ها مثلا کتاب شیمی به جای  $\Delta U$  ،  $\Delta E$ )

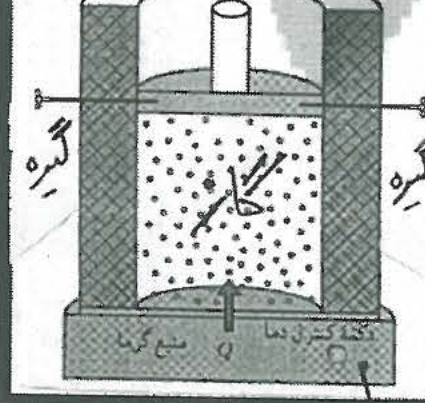
توضیح:  $\Delta U = Q + W$  (کار که ما به گاز می دهیم) (بدیهی است اگر کاری که گاز به ما می داد را در نظر می گرفتیم  $\Delta U = Q - W$  می شد)

در یک فرایند دستگاه ۴۰ جی گرما داده و محیط ۳۰ جی کار کرده است انرژی درونی از ۵۰۰ جی به چقدر رسید؟

$W = +30$  → گاز →  $Q = -40$   
 $\Delta U = W + Q = 30 - 40 = -10 \rightarrow U_2 = 490$

در علوم تغذیه kcal را Cal کالری بزرگ می گویند

فرآیندهای خاص و پرکاربرد ترمودینامیک:  
 هم حجم - هم فشار - هم دما - بی دردی

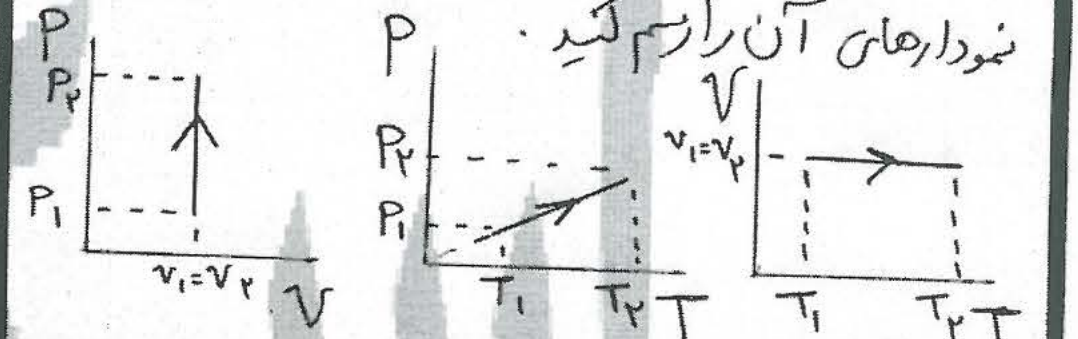


فرایند هم حجم: در طی فرایند هم حجم گاز ثابت است و کاری مبادله نمی شود و فقط گرما مبادله می شود:  $\Delta U = W + Q$   
 $W = 0 \rightarrow \Delta U = Q$

(امنیت قابل تنظیم)

فرایندی که گرما مبادله شده با تغییر انرژی درونی برابر است

مثال) در یک فرایند هم حجم و ایستاوار به گاز گرما می دهیم نمودارهای آن را رسم کنید.



$P \cdot V = nRT \rightarrow \frac{P_1}{T_1} = \frac{P_2}{T_2} = \frac{nR}{V} = \text{ثابت}$

(وقتی V ثابت ← دما و فشار رابطه مستقیم دارند)

فرمول گرما فرایند هم حجم  $Q = n C_v \Delta T$

$C_v = \frac{5}{2} R$  (دو اتمی) و  $\frac{3}{2} R$  (تک اتمی)

$C_v$  (گرما ویژه مول در حجم ثابت):  $\frac{J}{mol \cdot K}$

در حجم ثابت ۲۰ لیتر اگر فشار ۴ atm و نیم مول گاز کامل تک اتمی دماش نصف شود Q چقدر است؟

$PV = nRT \rightarrow V \Delta P = nR \Delta T$


$Q = \frac{5}{2} nR \Delta T = \frac{5}{2} V \Delta P = \frac{5}{2} (10 \cdot 2) (4 \dots)$

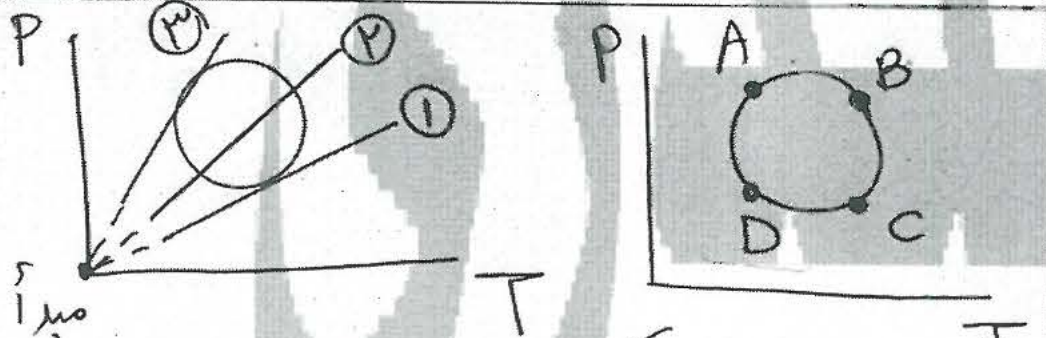
ثابت کنيد نمودار فشار - دماي مطلق فرايند هم حجم خطي راست است که از مبدأ مي گذرد و شیب آن را

به دست آوريد .  $PV = nRT \rightarrow \frac{P}{T} = \frac{nR}{V}$

$P = (\text{عدد ثابت}) V + 0$

$y = ax + b$  ← معادله خط راست





حجم نقاط مختلف را مقایسه کنید

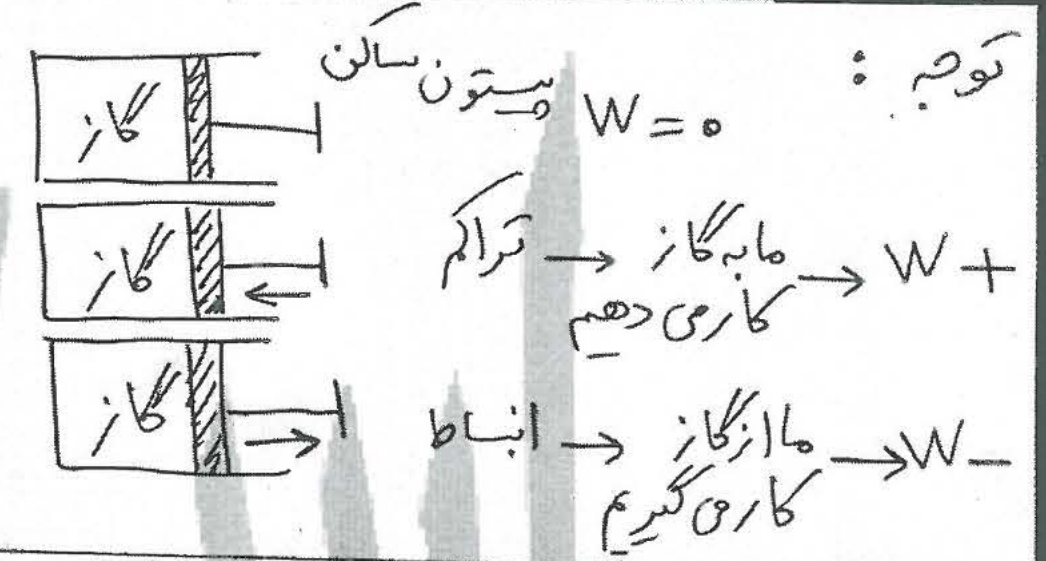
$\frac{P}{T} = \frac{nR}{V} = \text{ثابت}$

$\tan \alpha_1 < \tan \alpha_2 < \tan \alpha_3 \rightarrow V_1 > V_2 > V_3$

$V_{\text{min}} = V_A < V_B = V_D < V_{\text{max}} = V_C$

چرا حرارت به قوطی اسیري (افسره) می تواند خطرناک باشد.

افتبار  $\rightarrow F \text{ زیاد} \rightarrow P \text{ زیاد} \rightarrow T \text{ زیاد} \rightarrow V \text{ ثابت}$



گاز  $O_2$  در نقطه A دمايش  $100^\circ K$  است

$\Delta U_{AB} = ?$

$PV = nRT$

$n = \frac{F \times 10^3 \times 2 \times 10^{-3}}{32 \times 100} = 1 \text{ mol}$

$Q = n C_V \Delta T = 1 \cdot \left(\frac{5}{2} \times 1\right) (-75) = -15 \dots$

$T_A = 100 \rightarrow T_B = 25$

$\Delta U = W + Q = 0 - 15 \dots = -15 \dots J$

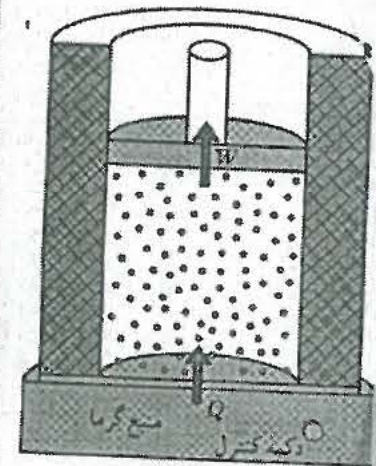
توجه : چه فرايند هم حجم باشد چه نباشد برابري

$\Delta U = W + Q = \frac{3}{2} nR \Delta T$

$\Delta U = W + Q = \frac{5}{2} nR \Delta T$

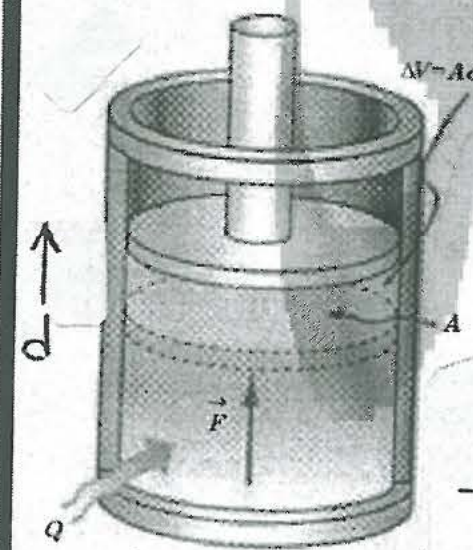
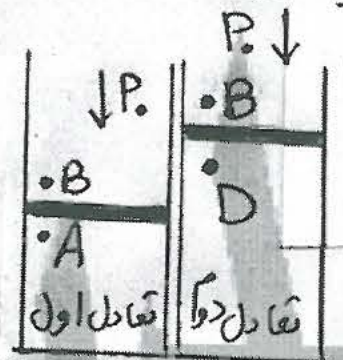
دوامي

فرايند هم فشار: در طی فرايند فشار گاز ثابت



(منبع قابل تنظيم)

می ماند و بران اينکه فشار ثابت  
بماند بايد همه اصطکاک هارا  
حذف کنيم



چون قرار است گاز متعادل باشد  
پس پيستون ساکن است و  
چون هیچ اصطکاکي نداريم

$$P_A = P_B = P_0$$

$$P_D = P_B = P_0$$

$$P_A = P_D$$

$$P = \frac{F}{A} \rightarrow F = PA$$

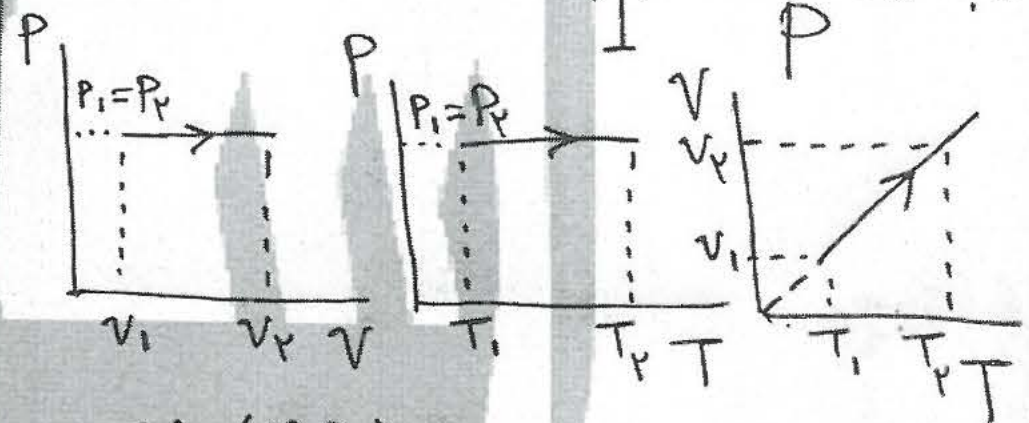
$$W = F d \cos \theta = PA d = P \Delta V$$

$$W = -P \Delta V$$

هم فشار

در يك فرايند هم فشار اگر در حالت ايستوار به گاز  
گرمای بدهيم نمودار هارا رسم کنيد.

$$PV = nRT \rightarrow \frac{V}{T} = \frac{nR}{P} = \text{ثابت}$$



در نمودار حجم - دما

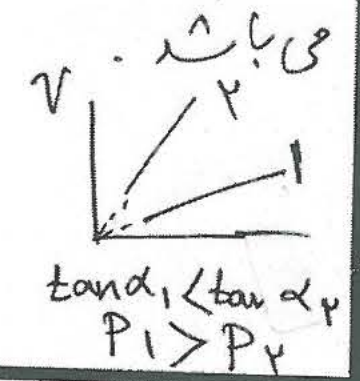
$$y = (a)x + (b)$$

يك خط راست که از مبدأ می گذرد و شیب آن  $\frac{nR}{P}$

$$Q = n C_p \Delta T$$

$$C_p = \frac{5}{2} R$$

$$C_p = \frac{7}{2} R$$



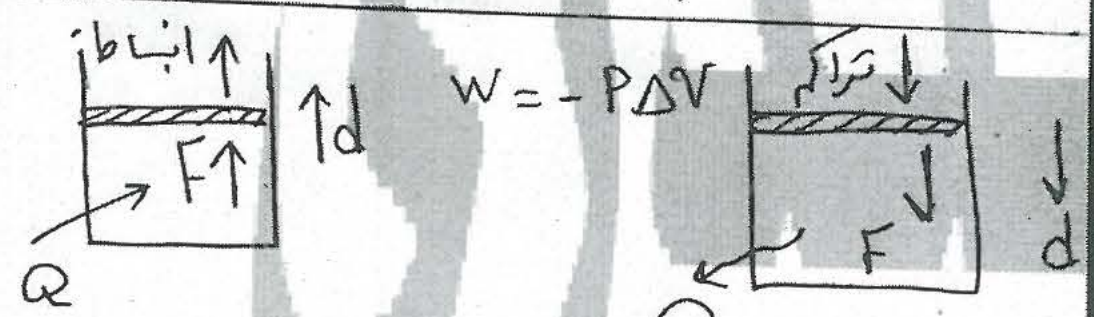
گرمای ویژه مولی هم فشار  $C_p$



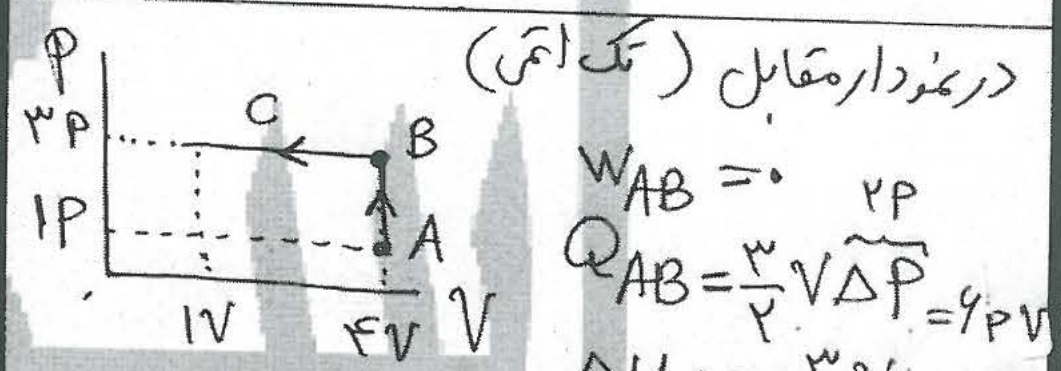
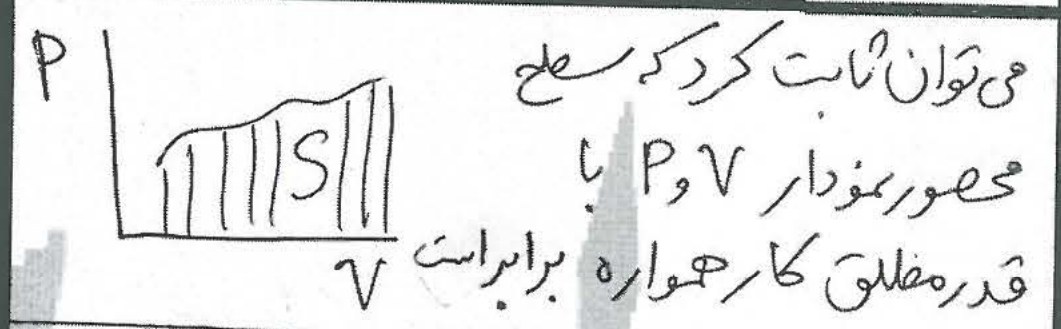
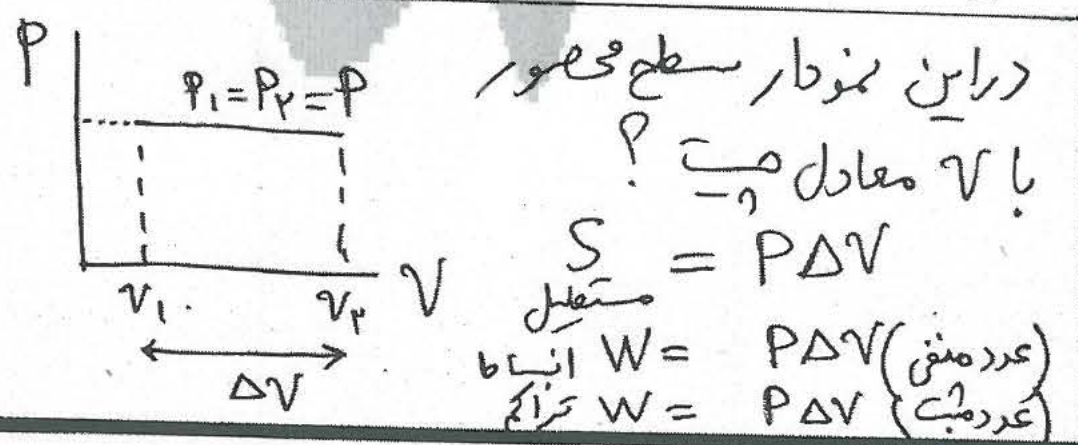
فرمول کارم فشار  
 $W = -P\Delta V = -nR\Delta T$

فرمول گرمای هم فشار  
 $Q = \frac{5}{2} nR\Delta T$  یا  $\frac{5}{2} nR\Delta T$

یک اتمی  $Q = \frac{5}{2} P\Delta V$  یا  $\frac{5}{2} P\Delta V$   
 دو اتمی



یعنی اثبات صفحه قبل همواره درست است.



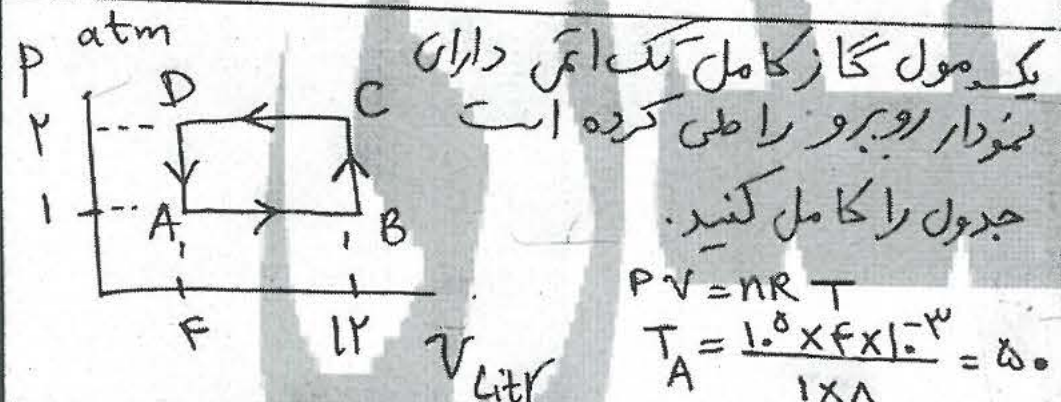
$W_{BC} = -P\Delta V = -P(-3V) = 3PV$   
 $Q_{BC} = \frac{5}{2} P\Delta V = \frac{5}{2} P(-3V) = -\frac{15}{2} PV$   
 $\Delta U_{BC} = W + Q = 3PV + (-\frac{15}{2} PV) = -\frac{9}{2} PV$

$W_{AC} = S$  ذوزنقه  $= \frac{(P_1 + P_2)(V_2 - V_1)}{2} = 6PV$   
 $\Delta U_{AC} = \frac{3}{2} (P_2 V_2 - P_1 V_1) = \frac{3}{2} (3PV - 4PV) = -\frac{3}{2} PV$   
 یا  $\Delta U_{AC} = \Delta U_{AB} + \Delta U_{BC} = 6PV + (-\frac{9}{2} PV) = -\frac{3}{2} PV$

$\Delta U_{AC} = Q_{AC} + W_{AC} \rightarrow Q_{AC} = -\frac{3}{2} PV + 6PV = \frac{9}{2} PV$

یکای  $C_V \left( \frac{J}{mol \cdot K} \right)$ ،  $R \left( \frac{J}{mol \cdot K} \right)$   
 $PV (J)$  و  $C_P \left( \frac{J}{mol \cdot K} \right)$

یکای فشار در حجم را بدست آورید.  
 $P \times V = \frac{F}{A} \times V = \frac{N}{m^2} \times m^3 = Nm = J$



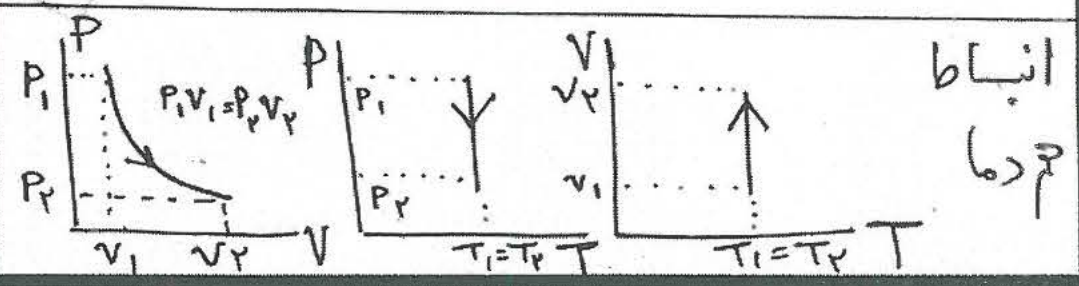
نام	تا	از	W	Q	$\Delta U$
هم فشار	B	A	$-nR\Delta T$ $-10.0$	$\frac{5}{2}nR\Delta T$ $20.0$	10.0
هم حجم	C	B	•	$\frac{3}{2}nR\Delta T$ $18.0$	18.0
هم فشار	D	C	$-nR\Delta T$ $+16.0$	$\frac{5}{2}nR\Delta T$ $-4.0$	-24.0
هم حجم	A	D	•	$\frac{3}{2}nR\Delta T$ $-6.0$	-6.0
چرخه	A	A	+10.0	-10.0	•



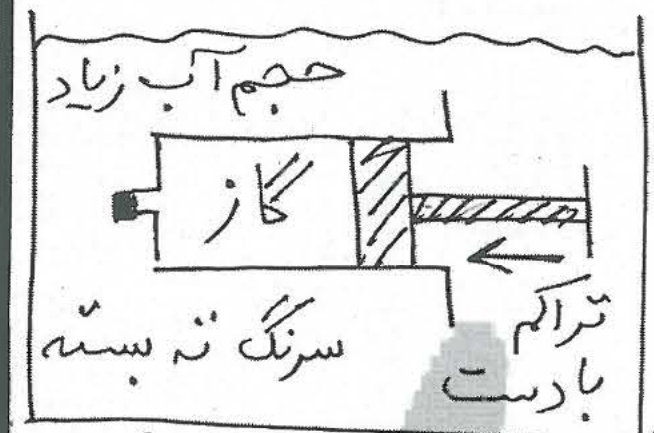
فرایند هم دما: در طی این فرایند دمای گاز ثابت می ماند متوجه باشیم که بدنه عایق است و لن با منبع گرمای دمای ثابت در ارتباطی باشد.

$\Delta U \propto \Delta T \rightarrow \Delta U = 0$   
 $\Delta T = 0$  (انرژی درونی گاز ثابت است)

$\Delta U = W + Q = 0 \rightarrow W = -Q$   
 اگر به گاز گرمای هم این گرمای موجب انجام کار توسط گاز برای ما می شود و لن انرژی کل گاز ثابت می ماند.  
 انبساط  $\rightarrow W - \rightarrow Q +$   
 تراکم  $\rightarrow W + \rightarrow Q -$

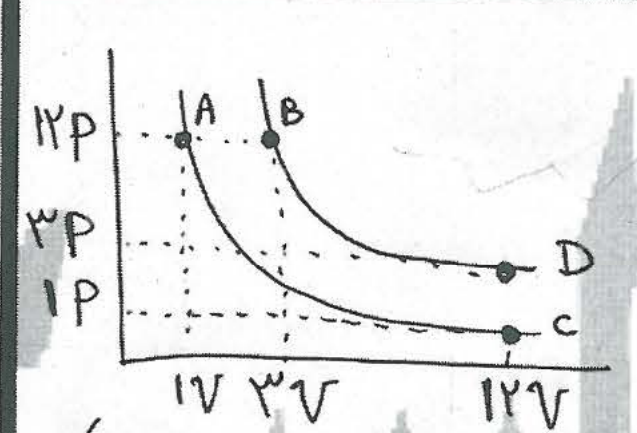
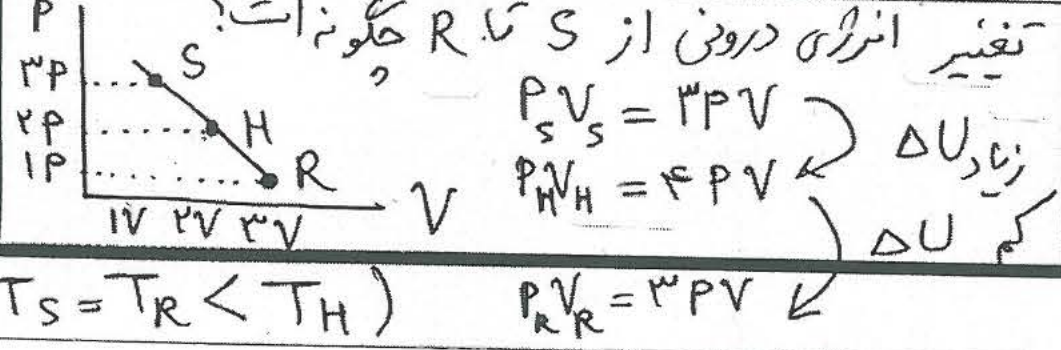
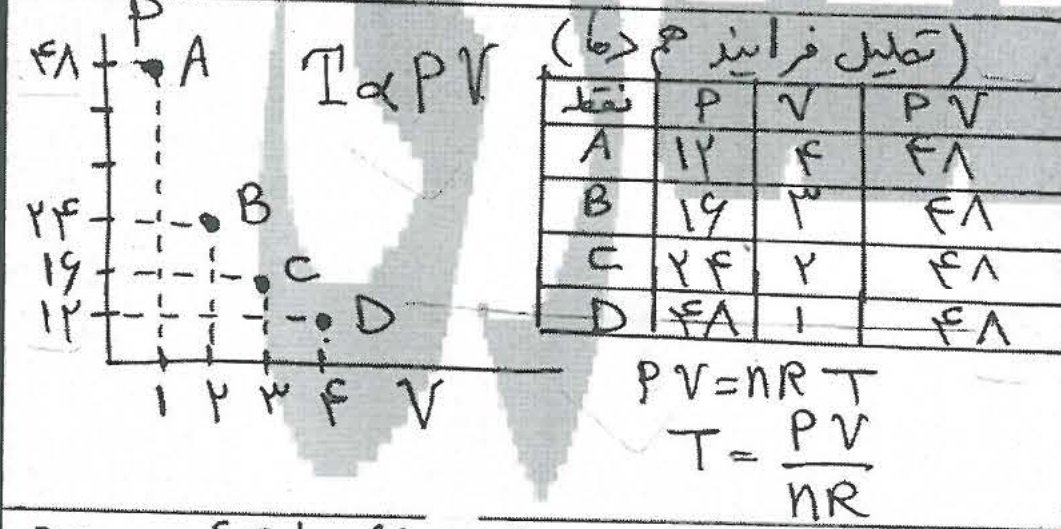






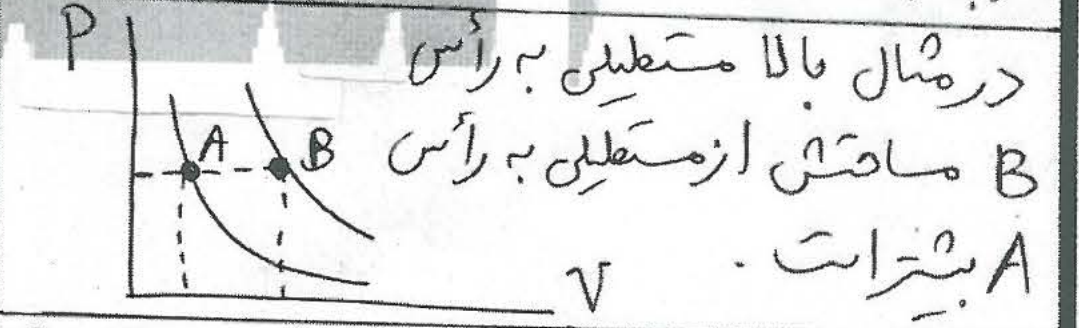
چون حجم آب  
فیلز زیاد است  
پس دمای گاز  
تقریباً ثابت می ماند  
(منبع گرما آب است)

ماکاری (دعم) تراکم  $\rightarrow W + \rightarrow Q -$   
 $\Delta U = 0$  و  $\Delta T = 0$



PV	V	P	
۱۲	۱	۱۲	A
۳۶	۳	۱۲	B
۱۲	۱۲	۱	C
۳۶	۱۲	۳	D

$(T_A = T_C < T_B = T_D)$  {  
 هم دما  $T_A = T_C$   
 هم دما  $T_B = T_D$   
 آن نموداری که مساحت بیشتری محصور می کند،  
 مربوط به دمای بیشتری است و کار بیشتری مبادله می کند.



نوع	نقاط	W	Q	ΔU
هم دما	AB	+	-	•
هم دما	BC	•	-	-
هم دما	CA	-	+	+



بی دررو : در این فرایند بین دستگاه و محیط گرما مبادله نمی شود . نکته : در روش برای تولید فرایند بی دررو وجود

دارد یا اینکه کل محیط عایق باشد و هیچ گرمایی مبادله نشود و یا اینکه بستون آن قدر سریع حرکت کند که گاز فرصت نکند با محیط گرما مبادله کند .

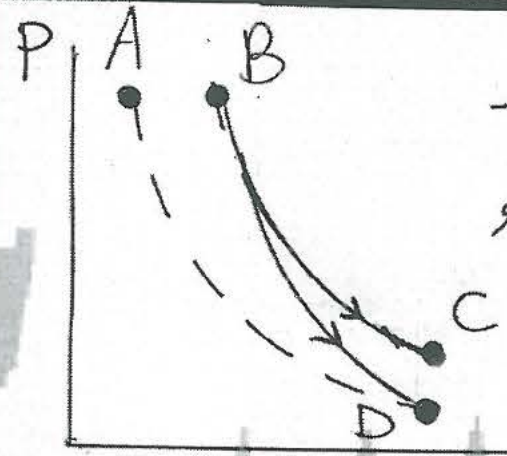
$$\Delta U = W + Q \xrightarrow{Q=0} \Delta U = W$$



وقتی با در باز کن ، در یک نوبت فیل سرد را بازمی کنیم هاله و بخار واقعی تولید می شود زیرا گاز فیل سریع منبسط می شود یعنی انبساط بی دررو

$$Q=0 \rightarrow W < 0 \rightarrow \Delta U < 0$$

رشد قطرات در بخار آب (تولیدمه)  $\rightarrow \Delta T < 0$



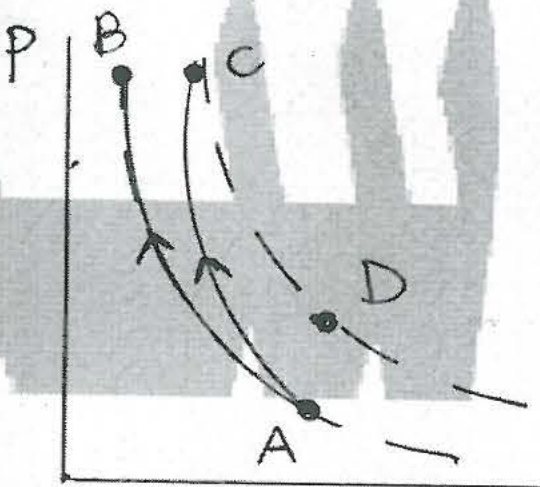
انبساط - W  
 $T_A = T_D < T_B = T_C$   
 هم درجا BC  
 هم درجا BD بی دررو

در مورد BD

$$Q=0 \rightarrow W \rightarrow \Delta U$$

$$\Delta U = W$$

$\Delta U \propto \Delta T$



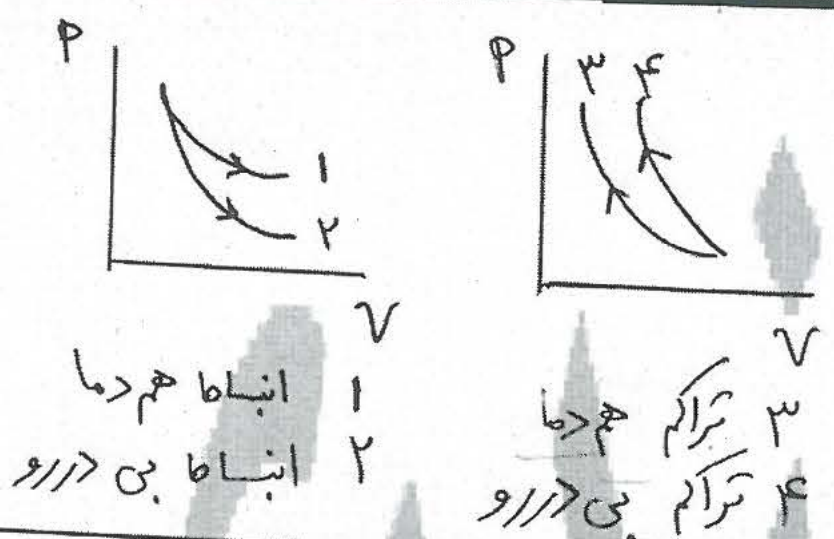
$\Delta T$  - (کاهش دما)  
 تراکم + W  
 $T_A = T_B < T_C = T_D$   
 هم درجا AB  
 بی دررو AC

در مورد AC

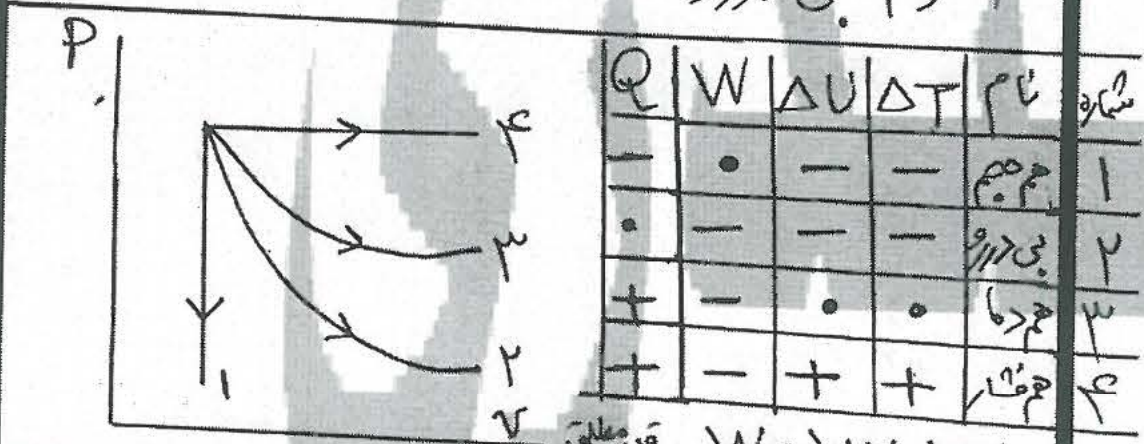
$$Q=0 \rightarrow \Delta U = W$$

چون + W  
 پس  $\Delta U +$   
 $\Delta T + \leftarrow \Delta U \propto \Delta T$   
 $\Delta T + \leftarrow$  افزایش دما

نام	$\Delta T$	W	Q	$\Delta U$
انبساط هم درجا	•	-	+	•
انبساط بی دررو	-	-	•	-
تراکم هم درجا	•	+	-	•
تراکم بی دررو	+	+	•	+

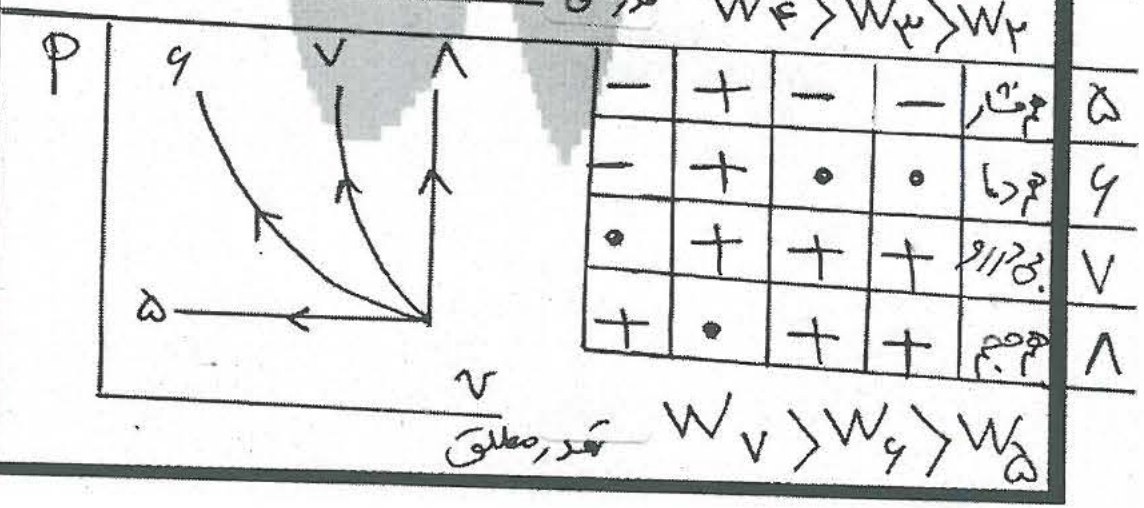


۱ انبساط هم دما  
۲ انبساط بی دما  
۳ تراکم هم دما  
۴ تراکم بی دما



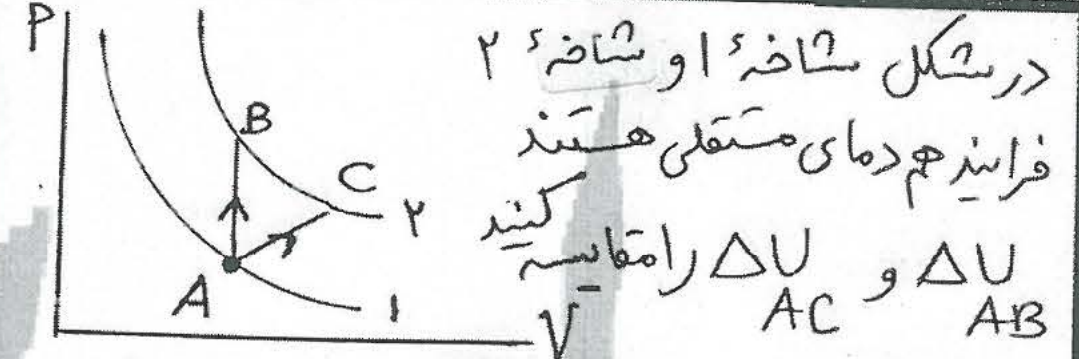
شماره	نام	$\Delta T$	$\Delta U$	W	Q
۱	هم دما	-	-	•	-
۲	بی دما	-	-	-	•
۳	هم دما	•	•	-	+
۴	هم دما	+	+	-	+

$W_4 > W_3 > W_2$  قدر مطلق



۵	هم دما	-	-	+	-
۶	هم دما	•	•	+	-
۷	بی دما	+	+	+	•
۸	هم دما	+	+	+	•

$W_7 > W_6 > W_5$  قدر مطلق



در شکل مساحت ۱ و مساحت ۲  
فرايندهم دماي مستقلى هستند  
 $\Delta U_{AB}$  و  $\Delta U_{AC}$  را مقایسه کنید

تغییر انرژی درونی ارتباطی به مسیر ندارد فقط تابع تغییر دماست  
 $\Delta T_{AB} = T_2 - T_1 \rightarrow \Delta T_{AB} = \Delta T_{AC}$   
 $\Delta T_{AC} = T_2 - T_1$   
 $\Delta U_{AB} = \Delta U_{AC}$  (یعنی برای همه فرایندها یکسان است)

$\Delta U = W + Q \rightarrow \Delta U = Q$   
 هم دما  $W = 0$

$Q = n C_v \Delta T \rightarrow \Delta U = \frac{3}{2} n R \Delta T$   
 هم دما  $Q$  تک اتمی همواره

$\Delta U = \frac{5}{2} n R \Delta T$   
 دو اتمی

$\Delta U = \frac{3}{2} (P_2 V_2 - P_1 V_1)$   
 همواره تک اتمی

$\Delta U = \frac{5}{2} (P_2 V_2 - P_1 V_1)$

عقيل اسکندري

بنجم > دهم > ۲۳

تنگ امین

$$C_p - C_v = \frac{5}{2}R - \frac{3}{2}R = R$$

دو امین

$$C_p - C_v = \frac{5}{2}R - \frac{3}{2}R = R$$


---

در نمودار مقابل تغییر انرژی درونی را بدست آورید. (تنگ امین)

$\Delta U = \frac{3}{2}NR\Delta T$

$$PV = nRT \rightarrow T = \frac{PV}{nR}$$

$$\Delta U = \frac{3}{2}NR \left( \frac{P_2V_2}{nR} - \frac{P_1V_1}{nR} \right) = \frac{3}{2}(P_2V_2 - P_1V_1)$$


---

فرايند فیلين سريع رخ می دهد تراکم بی هوا است که دمای گاز فیلين زياد می شود

سوزنک آتش زنه در این شکل اگر می تو فیلين سریع با این آید (آتش می گیرد) بنده نقطه استقال فیلين کم ← (کاعدت نيترو سلولز)

عقيل اسکندري

بنجم > دهم > ۲۴

چرخه ترمودینامیک: دستگاه پس از چند فرایند مجدداً به نقطه شروع می رسد.

چون ابتدا و انتهای چرخه یک نقطه است

ساعتگرد  $\Delta U = 0$   $S(W-)$   $W+$

پادساعتگرد  $\Delta U = 0$   $S(W+)$   $Q-$

$\Delta T = 0$   
 $\Delta U = 0$

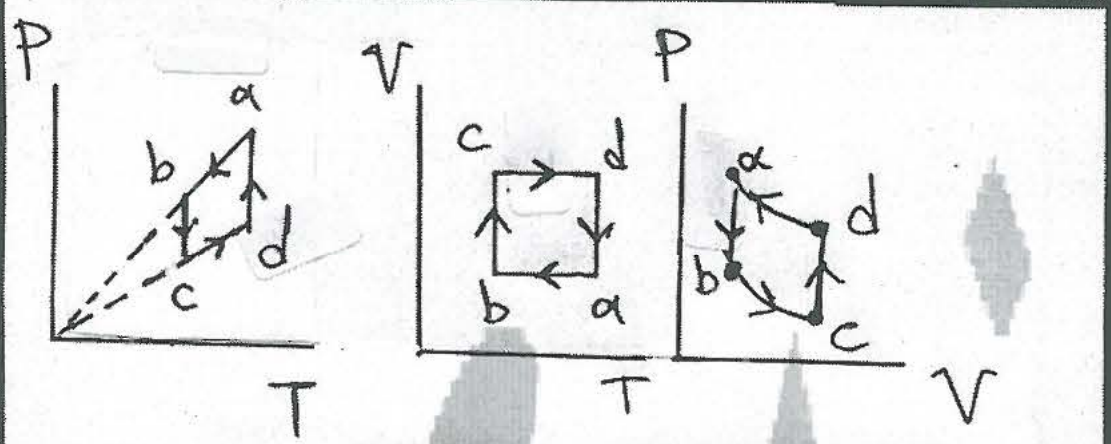
---

$W_t = S_{ab} + S_{bc} + S_{cd} + S_{da} \rightarrow W_t = S_{abcd}$

که در این مثال  $W_t$  عددی منفی می شود.

پادآوری: انبساط ( $W$  منفی) تراکم ( $W$  مثبت)

توجه: در این مثال اندازه مساحتها ۴ قسمت برابر است



شماره	نوع	P	V	T	W	Q	ΔU
AB	مجموع	↓	↑	ثابت	•	-	-
BC	مردما	↓	↑	↑	-	+	•
CD	مجموع	↑	↓	ثابت	↑	+	+
DA	مردما	↑	↓	↓	+	-	•

ماشین های گرمایی  
 امروزه بیشتر انرژی مورد نیاز انسان از طریق ماشین های گرمایی به دست می آید.

ماشین گرمایی، گرمایی حاصل از سوخت را به کار تبدیل می کند.

مانند لوکوموتیو - کشتی بخار - هواپیما - فضاپیما  
 زیر دریایی - خودرو  
 انرژی الکتریکی → نیروگاه → گرمایی سوخت  
 نوعی ماشین گرمایی است

از نظر تاریخی اولین ماشین های گرمایی برون سوز بودند  
 موتور خودروها (بنزینی و گازوئیلی) درون سوزند  
 در ماشین های گرمایی بعد از چند فرایند معین که در حوضه کامل رخ می دهد، ماشین قسمتی از انرژی دریافتی را به کار تبدیل می کند  
 ماشین نیوکامن یک ماشین برون سوز ابتدایی است  
 ماشین نیوکامن برای بالا کشیدن آب از معادن استفاده می شد  
 ماشین استرلینگ و ماشین بخار، برون سوز و جدیدترند

ماشین بخاروات  
 دستگاهی که در حوضه داخلی می کند  
 آب است.  
 چون گرما از بیرون  
 توسط کوره به آب داده  
 می شود (عدم تماس مستقیم)  
 ماشین برون سوز است

توجه: چرخه آرمانی چرخه ای استوار و بدون اصطکاک و هر نوع اتلاف انرژی است.

چرخه آرمانی ماشین بخار رانگین نام دارد.

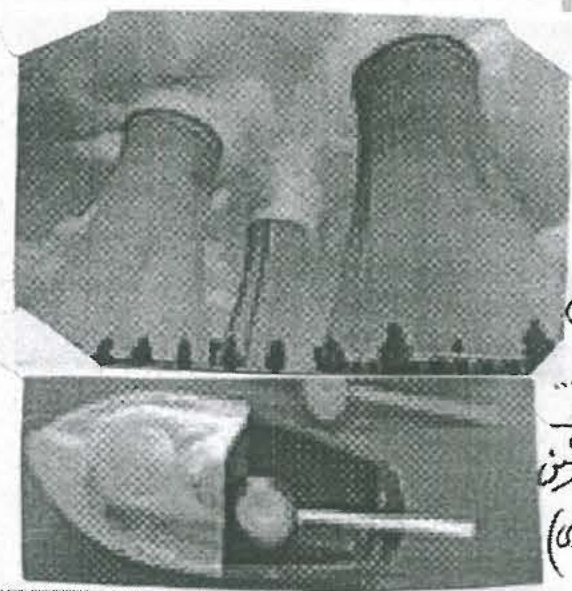
هر ماشین بخار با دو منبع گرما ارتباط دارد.

دیگ بخار (منبع دمای بالاتر) چگالنده (منبع دمای پایین تر)

$Q_H$  گرمایی که ماشین از منبع دمای بالاتر دریافت می کند

$Q_L$  گرمایی که ماشین به منبع دمای پایین تر می دهد

$W$  کاری که بطور خالص در یک چرخه به محیط داده می شود



نیروگاه برق حرارتی درست مانند ماشین بخار کار می کند فقط وقتی بخار داغ برقی تولید می شود، بوسیله آن توربین که به ژنراتور وصل است می چرخد و بعد میعان و ...

تفاوت پوت - پوت مانند ماشین برون سوز است (اسباب بازی)

حرارت آب را جوش آورده و خروج بخار طبق قانون سوم نیوتون، عامل حرکت

① آب در دیگ به جوش می آید و به بخار داغ تبدیل می شود (شر A و B بسته)

② شر A بازو شر B است، بخار با فشار زیاد وارد سیلندر (استوانه) می شود و پیستون بالا می رود. وقتی پیستون به بالای سیلندر رسید ابتدا

A بسته و بلافاصله (عزمان) B باز می شود. پس آب بخار وارد چگالنده می شود و پیستون پایین می آید

③ در یک وقتی پیستون به پایین ترین حد خود رسید مجدداً در یک وقتی پیستون به پایین ترین حد خود رسید مجدداً

B بسته و A باز می شود است

④ علاوه بر آن آبی که به عنوان دستگاہ در چرخش یک مقدار آب هم برای خنک کردن چگالنده وجود دارد

که سبب میعان در چگالنده می شود (این آب همواره مانند رادیاتور ماشین در گردش دور چگالنده است)

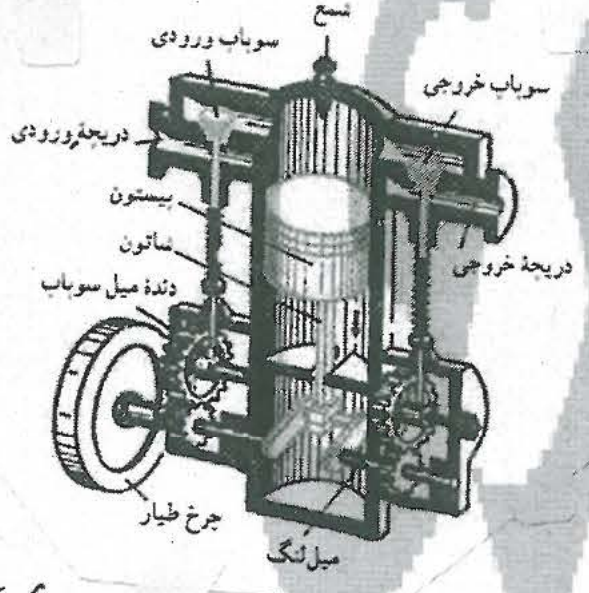
⑤ پس از تبدیل بخار به آب، آب توسط پمپ (پمپ) مجدداً به دیگ برگردانده می شود و چرخه تکرار می گردد

ماشين‌هاى گرمايى درون سوز

بيست خودروهاى سوارى - هواپيماها - برخى كشتى‌ها  
قطارها و مولدهاى كوچك برق (ژنراتور) درون سوزند

دو نوع متداول ماشين‌هاى گرمايى : بنزى و ديزلى

موتور بنزى :  
قسمتى از گرمايى توليد شده  
از سوختن سوخت ،  
بيستون را حركت مى‌اندازد  
و اين حركت توسط  
شاتون و ميل لنگ به  
حركت چرخى تبديل مى‌شود.  
(سيلندر و اجزاي جانبى موتور)

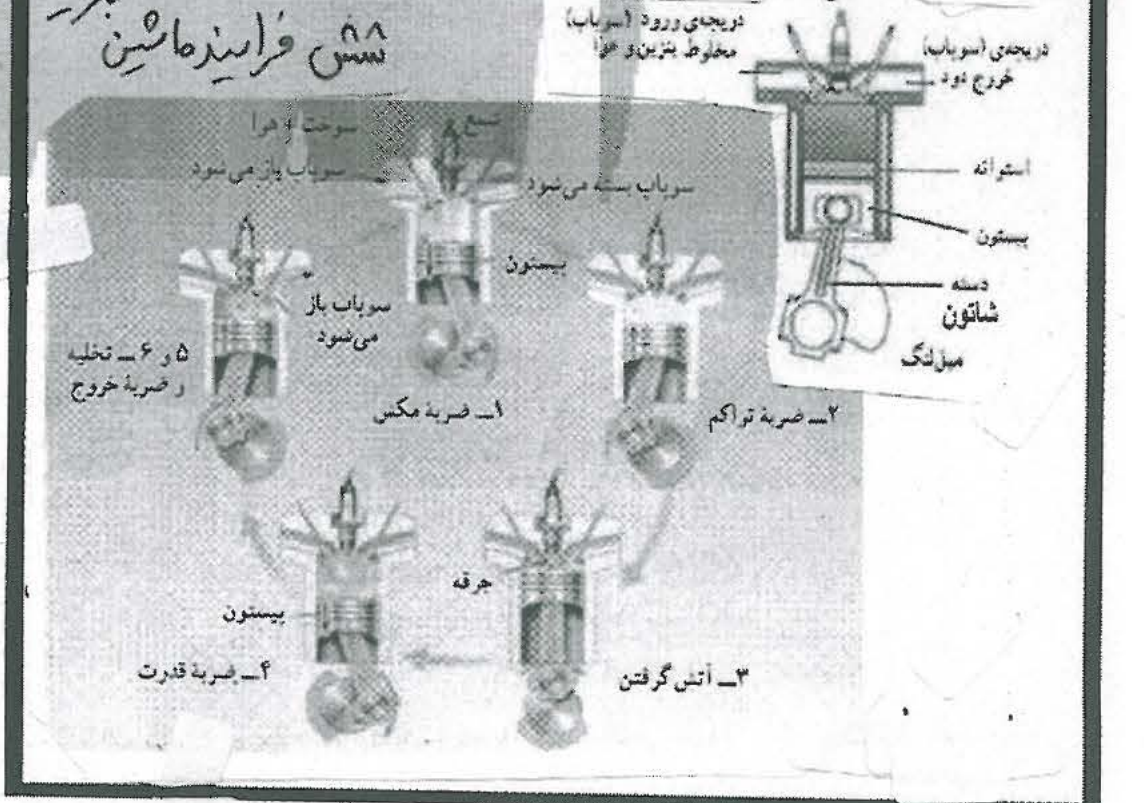


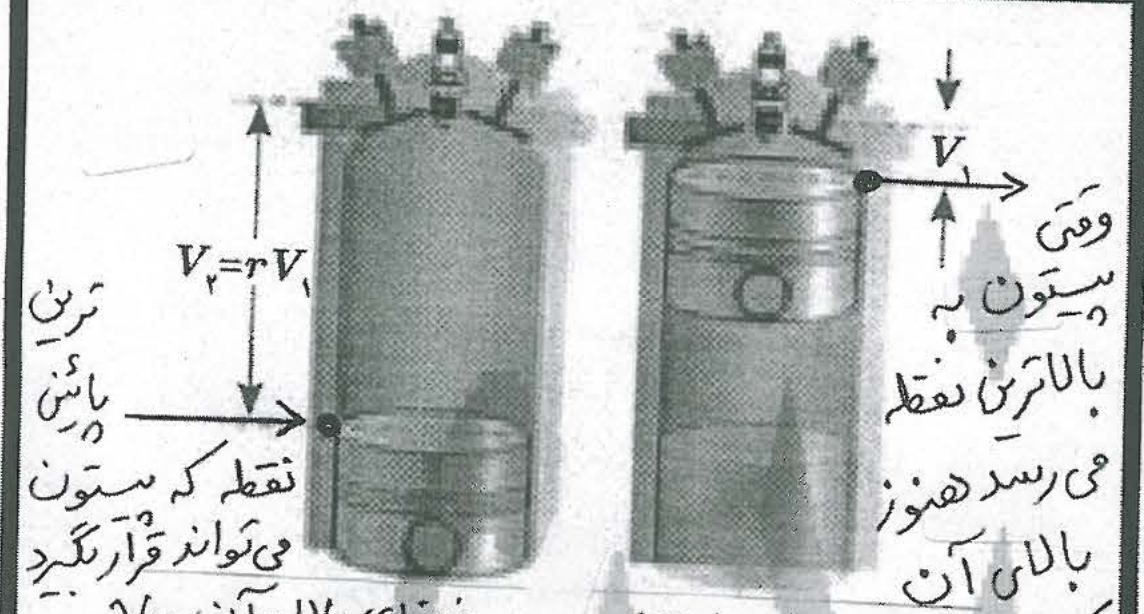
قسمتى ديگرى از اين گرما از طريق رادياتور (خنك كننده)  
و از طريق اگزوز (لوله خروج لوله) مستقيماً به هوا داده  
ماشين بنزى چرخش شامل قسمتى فرايند طي مى‌كند

چرخه ماشين بنزى شش فرايند دارد .  
چهار فرايند با حركت بيستون توأم است كه به  
ضربه معروف هستند . در دو فرايند بيستون ساكن است

① ضربه مكش ← ضربه تراكم ← آتش گرفتن  
ضربه خروج → تنظيم → ضربه قدرت → ④  
گاز ⑥

طرحى از موتور بنزى





وقتی پیستون به بالاترین نقطه می رسد هنوز بالای آن کمی فضا وجود دارد ( $V_1$ ) فضای بالای آن  $V_2$  کمترین یا بیشترین نقطه که پیستون می تواند قرار بگیرد  $V_2 = r V_1$  فضای بالای آن  $V_2$   $V_2 = r V_1$  یک عدد است که به نسبت تراکم یا نسبت انبساط معروف است. هرچه  $r$  بیشتر شود بازده ماشین بیشتر می شود ولی در عمل نمی توان  $r$  را بطور دلخواه بالا برد. نسبت تراکم ماشین های ۱۴ تا ۲ بنزینی مدرن. ۱۶ تا ۲۰ بنزینی معمولی

اگر نسبت تراکم از حدی خاص بیشتر شود، مخلوط سوخته و هوا در ضربه تراکم بیش از جرقه زدن شمع آتش می گیرند (شبیه سرنگ آتشی زدن)



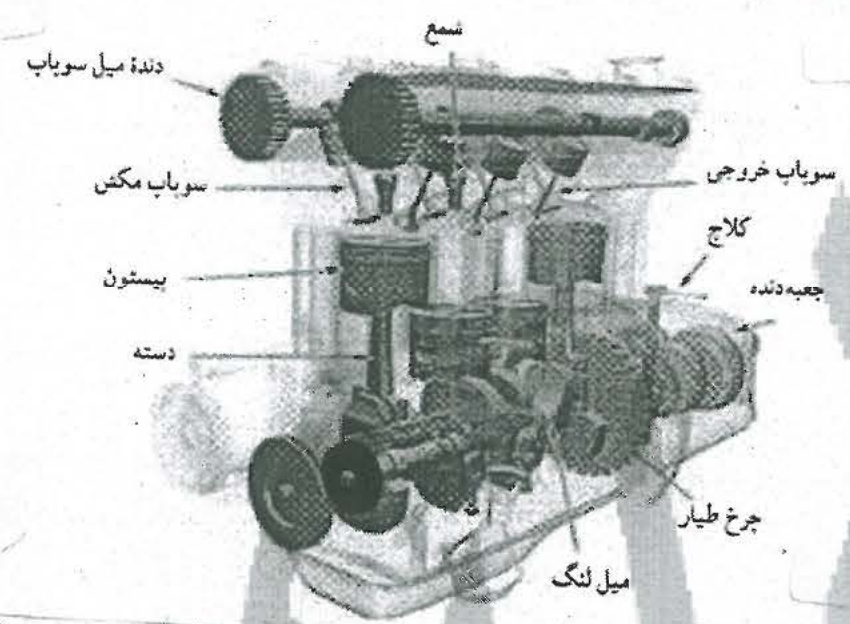
کارل دیزل مهندس آلمانی موتور درون گازوئیلی (دیزلی) را اختراع کرد که ۲۳ تا ۲۴ درصد زیاد می شود و تفاوت حجم در این است که به جای مخلوط هوا و سوخت، ابتدا فقط هوا به طور بی دررو تراکم می شود و دما و فشار آن خیلی زیاد می شود آنگاه گازوئیل به داخل سیلندر پاشیده می شود (این موتورها شمع ندارند) چون دما خیلی زیاد است گازوئیل مشتعل می شود و تقریباً هم فشار پیستون را به پایین هل می دهد و از آنجا به بعد درست مثل ماشین بنزینی، ضربه قدرت

(البته بطور آرمانی) خروج گاز از درجه ضربه خروج (بدون آتشی آتشی)



۳۳	هم	پنجم	عقيل اسکندري
	<p>فرايندهای شش گانه بنزینی</p> <p>۱ - ضربه مکش</p> <p>پستون باسن می آید حجم مفید سیلندر از <math>V_1</math> به <math>2V_1</math> می رسد و مخلوط هوا و سوخت وارد می شود</p>		
		<p>۲ - ضربه تراکم</p> <p>پستون بالا می آید و به سرعت، مخلوط را متراکم می کند (تراکم بن دررو) از <math>2V_1</math> به <math>V_1</math> افزایش دما و فشار مخلوط</p>	
		<p>۳ - آتش گرفتن</p> <p>وقتی پستون به بالاترین نقطه رسید برای یک لحظه می ایستد و شمع جرقه می زند. در حجم ثابت <math>V_1</math> فشار و دما بسیار زیاد می شود نکته: مخلوط از بیرون گرما نگرفت و مستقیماً جرقه شمع آن را آتش زد (علت درون سوز بودن)</p>	

۳۴	هم	پنجم	عقيل اسکندري
	<p>۴ - ضربه قدرت</p> <p>در اثر فشار زیاد، مخلوط که آتش گرفته، با سرعت زیاد منبسط می شود (انبساط بن دررو) در نتیجه دما و فشار ناگهان کاهش می یابد. پستون که سریع پایین می آید کار انجام می دهد و کار از طریق میل لنگ به خودرو می رسد</p>		
		<p>۵ - تخلیه</p> <p>پستون در پایین ترین وضعیت یک لحظه ساکن می ماند. قسمتی از محصولات احتراق فرصت خروج پیدا می کنند و فشار درون سیلندر به فشار جو خواهد رسید</p>	
		<p>۶ - ضربه خروج گاز</p> <p>پستون بالا می رود و همه محصولات احتراق که در مرحله تخلیه باقی مانده بود را از سیلندر خارج می کند (از <math>2V_1</math> به <math>V_1</math>)</p>	



(طرح اجزای درونی یک ماشین بنزینی)

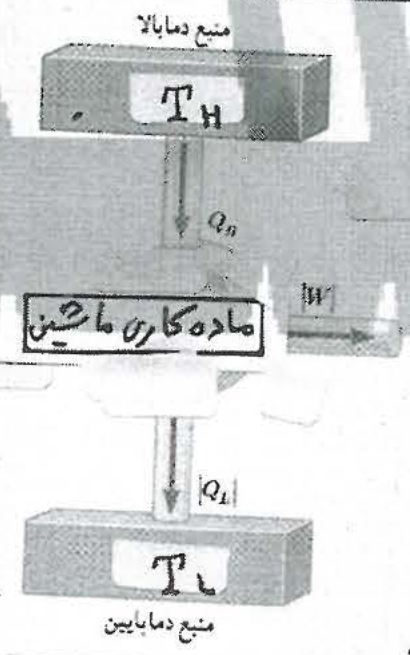
اگر ماشین بنزینی را به صورت آرمانی تحلیل کنیم به چرخه‌ای آرمانی به نام اتو فوآهم رسید.

گاز به جای مرحله آتش گرفتن، گرمای  $Q_H$  را از محیط (منبع بادماي بالا) دریافت می‌کند.

به جای مرحله تخلیه و خروج گاز، گرمای  $|Q_L|$  را به محیط (منبع بادماي پائين) تحویل می‌دهد.

در ادامه، گاز سرد شده در فشار ثابت جو از استوانه خارج می‌شود و در کل چرخه کارخالص  $|W|$  به محیط تحویل می‌شود.

نکته: وقتی ماشین‌ها یا یخچال‌ها را بررسی می‌کنیم و همه چیز را آرمانی معرفی می‌کنیم و هیچ اتلافی را در نظر نمی‌گیریم، منظور این نیست که بازده صددرصد است، بلکه منظور این است که از اتلاف‌های موجود در میرها صرف نظر می‌شود.



قانون اول ترمودینامیک (پایستگی انرژی)

$$\Delta U = W + Q$$

تغییر انرژی درونی در یک چرخه صفر است:

$$0 = Q_H + Q_L + W$$

$$Q_H = |W| + |Q_L|$$

گرمای داده شده از منبع دما پائين گرفته شده از منبع دما بالا  
کار = گرمای گرفته شده از ماشین

$$\eta = \frac{|W|}{Q_H} = 1 - \frac{|Q_L|}{Q_H}$$

بازده ماشین گرمایی آرمانی



بازده ماشین گرمایی واقعی (آنچه واقعاً در تکنولوژی وجود دارد) کمتر از آرمانی است.

بازده واقعی		
درون سوز بهترین	درون سوز دیزلی	بیرون سوز بنزین
۲ تا ۳ درصد	۳ تا ۳۵ درصد	۳ تا ۴۰ درصد

یک ماشین آرمانی گرمایی که بتواند ۴ kW و بازده ۲۵٪ کار می کند در مدت یک ربع ساعت چند ژول گرما به منبع دما پایین تحویل می دهد؟

$$t = 15 \text{ mint} = 15 \times 60 = 900 \text{ s}$$

$$P = \frac{W}{t} \rightarrow W = P t = 4000 \times 900 = 36 \times 10^5 \text{ J}$$

$$\eta = \frac{|W|}{Q_H} \rightarrow \frac{25}{100} = \frac{36 \times 10^5}{Q_H} \rightarrow$$

$$Q_H = 144 \times 10^5 \text{ J}$$

$$Q_H = |W| + |Q_L| \rightarrow |Q_L| = 108 \times 10^5$$

قانون دوم ترمودینامیک: سرد → گرم  
گرما همیشه خود به خود از مکانی با دما بالاتر به مکانی با دما پایین تر حرکت می کند.

قانون دوم ترمودینامیک به بیان ماشین گرمایی:  
\* ممکن نیست دستگاهی چرخه ای را طوری کند و مقداری گرما از منبع بادما بالاتر دریافت کند و تمام آن را به کار تبدیل کند (بیان کلونین - پلانک قانون دوم)  
\* ممکن نیست بازده یک ماشین گرمایی ۱۰۰٪ شود

$$Q_L = 0 \rightarrow Q_H = |W|$$

نکته: اگر ماشین بتواند  $Q_H$  را به  $W$  تبدیل کند، قانون اول (پایستگی انرژی) نقض نمی شود ولی قانون دوم (بازده کمتر از یک) نقض می شود.

بازده نسبت دوگیت هم یکا است پس یکای بازده یک می باشد اصطلاحاً می گویند بازده یکا ندارد

$$1 = \frac{\text{نزد}}{\text{نزد}} = \text{بازده}$$

عقيل اسکندري صنم > هم ۳۹

ماده کاری یعنی ماده‌ای که در ماشین به عنوان دستگاہ در نظر گرفته می‌شود مثلاً در ماشین بخار، آب

ماشین کارنو: ماشین فرضی و آرمانی و سازگار با قانون دوم ترمودینامیک است که بیشترین بازده ممکن (max = بیینه) را دارد و چرخه آن از ماده کاری ماشین منتقل است

دماي منبع پايين (کلين)  $T_L$   $\eta_{\text{کارنو}} = 1 - \frac{T_L}{T_H}$   
 دماي منبع بالا (کلين)  $T_H$   
 (این بازده فقط ب  $T_H$  و  $T_L$  بستگی دارد)

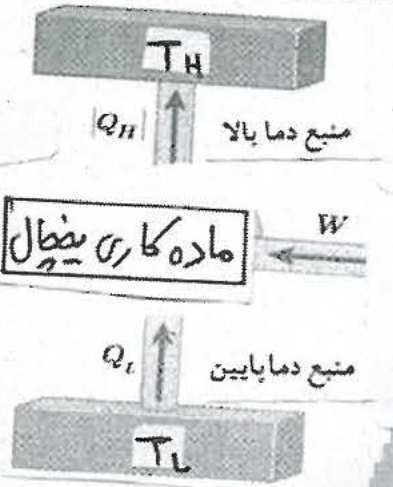
بازده یک ماشین گرمایی که بین دو منبع  $T_H$  و  $T_L$  کاری کند هرگز نمی‌تواند از بازده ماشین کارنوی که بین همان دو دما کاری کند بیشتر شود (کارنو  $\eta \leq \eta_{\text{کارنو}}$ )

در یک نیروگاه برق  $T_H = ۱۰۰$  و  $T_L = ۳۰۰$  بازده کارنو:  $\eta = 1 - \frac{۳۰۰}{۱۰۰} = ۶۲٫۵\%$   
 (بازده واقعی توربین‌های بخار در حدود  $۴۰\%$ )

عقيل اسکندري صنم > هم ۴۰

در یک ماشین  $T_H = ۶۰۰^k$  و  $T_L = ۳۰۰^k$  است  $\rightarrow$   
 مورد محدود  $Q_H$  و  $Q_L$  اگر  $W = ۵۰۰۰$  ج  
 باشد چه می‌توان گفت؟  
 $\eta = 1 - \frac{۳۰۰}{۶۰۰} = \frac{۳۰۰}{۶۰۰} = ۵۰\%$   
 $W = ۵۰۰۰$   
 $Q_H = ۱۰۰۰۰$  اگر  $\rightarrow Q_L \geq ۵۰۰۰$   
 $W = ۵۰۰۰$  اگر  $\rightarrow Q_H \geq ۱۰۰۰۰$   
 $W = ۵۰۰۰ \rightarrow Q_L = ۵۰۰۰$   
 $Q_H = ۱۰۰۰۰$

یک ماشین کارنو بین دو نقطه ثابت دماي منبع سازگار کاری کند بازده چقدر است؟  
 $\eta = 1 - \frac{۰ + ۲۷۳}{۱۰۰ + ۲۷۳} = 1 - \frac{۲۷۳}{۳۷۳} = \frac{۱۰۰}{۳۷۳}$   
 (حد اکثر  $۲۶٫۸۰\%$  در هر)



بفعل دستگاهی است که با دریافت کار، گرما را از منبعی بادما می‌گیرد و به منبعی بادما بالاتر می‌دهد

$$\Delta U = W + Q \rightarrow 0 = Q_H + Q_L + W$$

قانون اول

$$|Q_H| = Q_L + W$$

(بفعل هم مانند ماشین در فضا می‌کند)

قانون دوم ترمودینامیک به بیان بفعلی :  
 (بیان کلاسیوس قانون دوم ترمودینامیک)  
 ممکن نیست گرما بطور خود به خود از جسم بادما پائین به جسم بادما بالاتر منتقل شود  
 توجه : برای انتقال گرما از جسم سرد به جسم گرم باید کار انجام داد

قانون دوم ماشین و قانون دوم بفعل در واقع دو بیان از یک واقعیت هستند .

اگر قانون دوم به بیان بفعلی تعریف شود حتماً قانون دوم به بیان ماشین هم تعریف شده است و برعکس

بفعل وارونه ماشین گرمایی کار می‌کند.

دستگاهی می‌توان ساخت که هم گرما را به کار تبدیل کند ← غلط (تعین قانون دوم ماشین)

دستگاهی می‌توان ساخت که هم کار دریافت را به گرما تبدیل کند ← درست (ماشینی که بازده صفر درصد داشته باشد و بفعلی که درش باز باشد)

اگر در بفعل بازماند دمای آشپزخانه زیاد می‌شود زیرا  $|Q_H|$  همواره بیش از  $Q_L$  است (آشپزخانه بیش از گرمایی که اتاق بفعل از آن

می‌گیرد ، از موتور بفعل دریافت می‌کند)

۴۳	پنجم	عقيل اسکندري
<p>بفطال هاس خانگی - کولر هاس گازی و تلبه هاس گرمائی مثال هائی از بفطال هاسند</p>		
	<p>در بفطال هاس خانگی انرژی الکتریکی سبب انجام کار W توسط متر اکم ساز (کمپرسور) می شود</p>	
	<p>از هوا و مواد داخل بفطال گرمائی Q_L گرفته می شود و گرمائی Q_H تحویل هوا بیرون آزاد</p>	
	<p>کولر گازی سبب بفطال خانگی است: W (انرژی الکتریکی) (دما پایین) Q_L (گرمای از هوا بیرون اتاق) (دما بالا) Q_H (گرمای به هوا بیرون خارج) اتاق</p>	
<p>کولر گازی</p>	$ Q_H  = W + Q_L$	

۴۴	پنجم	عقيل اسکندري
<p>همچون <math>K = \frac{Q_L}{W} = \frac{Q_L}{ Q_H  - Q_L}</math> ضریب عملکرد بفطال</p> <p>(البته بطور آرمانی و ایستوار و بدون اتلاف)</p> <p>هرچه K بیشتر شود استفاده از آن بفطال به صرفه تر است.</p> <p>همان طور که برای بازده یک ماشین گرمائی حد بالائی وجود دارد <math>\eta = 1 - \frac{T_L}{T_H}</math> کارنو</p> <p>برای ضریب عملکرد بفطال هم حد بالائی وجود دارد</p> <p>ضریب عملکرد بفطال کارنو <math>K = \frac{T_L}{T_H - T_L}</math></p> <p>در یک کولر گازی کارنو برای بالا بردن ضریب عملکرد بهتر است در منطقه معتدل باشیم یا گرم؟ اگر <math>T_H - T_L</math> کم شود K زیاد می شود پس در منطقه معتدل که <math>T_H</math> کمتر است K بیشتر است</p>		